

درس دوم فصل اول: ریشه و شاخه های فلسفه

- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی است.
- بخش اصلی که به منزله ریشه و پایه فلسفه است، « فلسفه اولی» نام دارد و بخش های فرعی که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند، هر کدام به نام ویژه ای، مانند « فلسفه علم » و « فلسفه هنر » و... نامیده می شوند.

فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه

- در جهانی که ما زندگی می کنیم، چیزهای بسیاری وجود دارد: سنگ ها، فلزات، گیاهان، حیوانات و انسان ها و بسیاری چیزهای دیگر.
- ما در علوم مختلف درباره آنها تحقیق می کنیم و دانش خود را افزایش می دهیم.
- در ریاضیات، هر چیز را از آن جهت که « کمیت » و « مقدار» دارد، مطالعه می کنیم.
- در فیزیک، چیزها را از لحاظ خواص ماده، مثل گرمی و سردی و حرکت و سکون مورد بررسی قرار می دهیم.
- در زیست شناسی، موجودات زنده را از آن حیث که زنده اند، مطالعه می کنیم.
- پس در علوم مختلف، ما با جنبه خاصی از اشیاء سروکار داریم.
- اشیاء با آنکه در خصوصیات گوناگون فرق دارند اما در یک چیز شریک اند و آن اصل « وجود» است.
- همه موجودات در « موجود بودن» مشترک اند.
- از دیرباز، سؤالات مهمی برای بشر مطرح بوده که به اصل هستی و وجود مربوط می شود، نه خصوصیات و ویژگی های یک وجود خاص، مانند اینکه
 - ✓ آیا هستی منحصر در همین اشیای مادی است؟
 - ✓ آیا رابطه علیت بر کل هستی جاری است؟
 - ✓ آیا جهان به سمت تکامل است یا فروپاشی؟
 - ✓ آیا موجودات اراده و اختیار دارند؟
 - ✓ آیا هستی دارای طرح و نقشه خاصی است؟
- « فلسفه اولی» یا « مابعدالطبیعه» آن بخش ریشه ای و اصلی فلسفه است که در جست و جوی پاسخ به این گونه سؤال هاست.
- فلسفه اولی آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند.
- فلسفه اولی، احکام و قواعدی را به دست می آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه یک وجود خاص.
- فیلسوفان درباره سؤال های اساسی و برای به دست آوردن قوانین حاکم بر کل هستی تحقیق و تأمل می کنند.
- برخی به نتیجه می رسند و برخی نیز نتیجه ای نمی گیرند. گاهی هم پاسخ های متفاوت به یک سؤال می دهند و با یکدیگر اختلاف نظر پیدا می کنند.

▪ فیلسوف می کوشد با کمک عقل و استدلال و منطق، پاسخ درست را بیابد و با همان استدلال و منطق با دیگران در میان بگذارد. او با دیدن اختلاف نظر نا امید نمی شود. چون می داند، همان طور که امکان اشتباه برای انسان هست، امکان رسیدن به حقیقت نیز در توانایی انسان می باشد.

▪ فیلسوف می کوشد عوامل اشتباه و موانع پیش رو را از سر راه تفکر بردارد و به حقیقت، آن گونه که هست برسد، نه آن گونه که دلش می خواهد و احساساتش او را به آن سو تحریک می کند.

شاخه های فلسفه

▪ فلسفه، درختی است با شاخه های فراوان که از ریشه خود، یعنی همان فلسفه اولی تغذیه می کنند.

▪ در حقیقت، این شاخه ها، رابط فلسفه اولی با رشته های مختلف دانش و معرفت اند.

▪ فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث نمی کند بلکه در هر موضوعی به بنیادی ترین مسئله های آن می پردازد و درباره آن تأمل می کند. از این رو فلسفه با هنر، جامعه شناسی، فیزیک، روان شناسی و سایر علوم ارتباط دارد، اما هیچ یک از این دانش ها هم نیست.

▪ فیلسوف درباره سیاست می اندیشد اما درباره ریشه ای ترین مسئله های سیاست؛ درباره اخلاق، دین، طبیعت، علم، تاریخ و تربیت هم می اندیشد، اما در بنیادی ترین مسئله های آنها.

▪ هر فیلسوفی با توجه به دیدگاه خاصی که در فلسفه اولی دارد، به گونه ای خاص در مسائل بنیادی هنر، جامعه، فیزیک، روان و مانند آنها اظهار نظر می کند. یعنی فلسفه اولی او در بردارنده پیام های خاصی برای هنر، جامعه، طبیعت، دین و مانند آنهاست.

▪ افلاطون در فلسفه اولی خود اعتقاد دارد که علاوه بر عالم طبیعت، عالم برتری به نام عالم « مثل »

هست. عالم طبیعت برگرفته از عالم مثل است و نسبت عالم طبیعت به عالم مثل، مانند سایه نسبت به صاحب سایه است. حقیقت اصلی و برتر، عالم مثل است، نه عالم طبیعت و برترین وجود، مثال خیر است، نه انسان افلاطون، با توجه به این برداشت خود از جهان، دیدگاهی در انسان شناسی و فلسفه اخلاق دارد که می گوید هدف حقیقی انسان رسیدن به عالم مثال و خیر مطلق است، نه ماندن در عالم طبیعت که عالم سایه هاست. حال اگر یک دانشمند علوم تربیتی این دیدگاه افلاطون را بپذیرد، برنامه های تربیتی خود را متناسب با آن قرار می دهد.

▪ با تأمل فیلسوفانه درباره اخلاق، دین، طبیعت، تاریخ، علم و تربیت، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه طبیعت، فلسفه تاریخ، فلسفه علم و فلسفه تربیت پدید می آید. به این قبیل از شاخه های فلسفه « فلسفه مضاف » می گویند.

▪ می توان برای هر رشته علمی یک فلسفه نیز طراحی کرد. امروزه دامنه فلسفه ها بسیار توسعه یافته و هر موضوع با اهمیتی که توجه فیلسوفان و اندیشمندان را به خود جلب کرده، فلسفه ای دارد؛ مانند: فلسفه تکنولوژی، فلسفه فرهنگ و فلسفه پزشکی که در دانشگاه های جهان تدریس می شوند.

سوالات تشریحی

۱- بخش اصلی فلسفه و بخش های فرعی آن کدامند؟

بخش اصلی که به منزله ریشه و پایه فلسفه است، « فلسفه اولی » نام دارد و بخش های فرعی که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند، هر کدام به نام ویژه ای، مانند « فلسفه علم » و « فلسفه هنر » و... نامیده می شوند.

۲- اختلاف و اشتراک اشیاء نسبت به هم در چیست؟

اشیاء با آنکه در خصوصیات گوناگون فرق دارند اما در یک چیز شریک اند و آن اصل « وجود » است. آنها همه در « موجود بودن » مشترک اند.

۳- وجه مشترک همه اشیا و امور چیست؟ (ویژگی مشترک همه اشیا و امور چیست؟)

در یک چیز شریک اند و آن اصل « وجود » است. آنها همه در « موجود بودن » مشترک اند.

۴- علوم مختلف و مابعدالطبیعه هر کدام موجودات را از چه جهتی بررسی می کند؟

* بررسی اشیا و پدیده ها در علوم مختلف چه تفاوتی با بررسی آنها در فلسفه اولی دارد؟

* تفاوت بررسی اشیا و پدیده ها در علوم مختلف و فلسفه اولی در چیست؟

در علوم، ما با جنبه خاصی از اشیا سروکار داریم مانند بحث « کمیت » یا بحث « مقدار » در ریاضیات اما فلسفه اولی آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند. احکام و قواعدی را به دست می آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه یک وجود خاص.

۵- موضوع فلسفه اولی با موضوع سایر علوم مقایسه نماید.

فلسفه اولی: وجود و هستی علوم مختلف: چیستی یا ماهیت یا صفات و خصوصیات گوناگون و جنبه خاص اشیا

۶- معمولا چه زمانی به سراغ علوم مختلف می رویم؟

هرگاه خصوصیات و ویژگی های یک وجود خاص مورد توجه ما قرار گیرد.

۷- علوم مختلف موجودات را از نظر بررسی می کنند. الف) چیستی ب) هستی جواب: الف

۸- دو نمونه سوال از سوالات مهمی که از دیرباز برای بشر مطرح بوده و به اصل هستی و وجود یعنی به

فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه مربوط می شود، را بنویسید.

آیا هستی منحصر در همین اشیا مادی است؟ آیا رابطه علیت بر کل هستی جاری است؟ آیا جهان به سمت تکامل

است یا فروپاشی؟ آیا موجودات اراده و اختیار دارند؟ آیا هستی دارای طرح و نقشه خاصی است؟

۹- علم مابعدالطبیعه یا فلسفه اولی را تعریف کنید.

فلسفه اولی آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند. احکام و قواعدی را به

دست می آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه یک وجود خاص.

۱۰- توضیح دهید فیلسوفان در بررسی اشیاء در مورد چه مسئله های مهمی تحقیق و تأمل می کنند و تلاش آنها در چه

زمینه ای است ؟

فیلسوفان درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند و برای به دست آوردن قوانین حاکم بر کل هستی تحقیق و تأمل می کنند. برخی به نتیجه می رسند و برخی نتیجه ای نمی گیرند. گاهی پاسخ های متفاوت به یک سؤال می دهند و با یکدیگر اختلاف نظر پیدا می کنند. فیلسوف می گوید با کمک عقل و استدلال و منطق، پاسخ درست را بیابد و عوامل اشتباه و موانع پیش رو را از سر راه تفکر بردارد و به حقیقت، آن گونه که هست برسد.

۱۱- آیا بین فلسفه و علوم مختلف ارتباط وجود دارد؟ توضیح دهید.

آری. شاخه های فلسفه، رابط فلسفه اولی با رشته های مختلف دانش و معرفت اند. فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث نمی کند. بلکه در هر موضوعی به بنیادی ترین مسئله های آن می پردازد و درباره آن تأمل می کند. از این رو فلسفه با هنر، جامعه شناسی، فیزیک، روان شناسی و سایر علوم ارتباط دارد، اما هیچ یک از این دانش ها هم نیست. پس فلسفه اولی او دربردارنده پیام های خاصی برای هنر، جامعه، طبیعت، دین و مانند آنهاست.

۱۲- هر فیلسوف با توجه به چه اموری در مسائل علوم مختلف اظهار نظر می کند؟

هر فیلسوفی با توجه به دیدگاه خاصی که در «فلسفه اولی» دارد، به گونه ای خاص در مسائل بنیادی هنر، جامعه، فیزیک، روان و مانند آنها اظهار نظر می کند.

۱۳- با توجه به دیدگاه خاص افلاطون در مورد فلسفه اولی عقیده وی درباره عالم «مثل» را توضیح دهید.

افلاطون در فلسفه اولی خود اعتقاد دارد که علاوه بر عالم طبیعت، عالم برتری به نام عالم «مثل» هست که عالم طبیعت برگرفته از آن عالم است و نسبت عالم طبیعت به آن عالم مانند سایه نسبت به صاحب سایه است. حقیقت اصلی و برتر، آن عالم است، نه این عالم و برترین وجود هم، مثال خیر است، نه انسان. با توجه به این برداشت از جهان، وی دیدگاهی در انسان شناسی و فلسفه اخلاق دارد که می گوید هدف حقیقی انسان رسیدن به عالم مثال و خیر مطلق است، نه ماندن در عالم طبیعت که عالم سایه هاست.

۱۴- آیا می توان برای هر رشته علمی یک فلسفه نیز طراحی کرد و نحوه پیدایش آنها چگونه است ؟

آری. می توان برای هر رشته علمی یک فلسفه نیز طراحی کرد. با تأمل فیلسوفانه درباره اخلاق، دین، طبیعت، تاریخ، علم و تربیت، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه طبیعت، فلسفه تاریخ، فلسفه علم و فلسفه تربیت پدید می آید که به آنها فلسفه مضاف می گویند.

۱۶- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|---|-----------------|
| الف) وجه مشترک همه اشیاء و امور | شاخه های فلسفه |
| ب) بررسی احکام و قواعدی مربوط به هستی و وجود | وجود و هستی |
| ج) رابط فلسفه اولی با رشته های مختلف دانش و معرفت | مسئله های فلسفی |
| د) مانند مسئله های ریاضی فقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت | فلسفه اولی |
- جواب : الف (وجود و هستی) ب) فلسفه اولی ج) شاخه های فلسفه د) مسئله های فلسفی

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- بخش اصلی فلسفه که به منزله ریشه و پایه فلسفه است، نام دارد و بخش های فرعی که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند، هر کدام به نام ویژه ای، مانند و نامیده می شوند. **فلسفه اولی، فلسفه علم، فلسفه هنر**
- ۲- با آنکه موجودات در خصوصیات گوناگون فرق دارند اما در یک چیز شریک اند و آن اصل است. « وجود »
* همه موجودات جهان در مشترک اند. « موجود بودن »
- ۳- در علوم، ما با از اشیاء سروکار داریم مانند بحث « کمیت » یا بحث « مقدار » در ریاضیات. **جنبه خاصی**
- ۴- فلسفه اولی نام دیگری است بر ... که پیرامون ... بحث می کند. **مابعدالطبیعه - هستی و وجود**
- ۵- آن بخش از فلسفه که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند... نام دارد. **فلسفه اولی**
- ۶- دانشی که احکام و قواعدی را به دست می آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه یک وجود خاص.... نام دارد. **فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه**
- ۷- هرگاه خصوصیات و ویژگی های یک وجود خاص مورد توجه ما قرار گیرد به سراغ می رویم. **علوم مختلف**
- ۸- علوم مختلف موجودات را از جهت یک وجود خاص بررسی می کنند. **خصوصیات و ویژگی های**
- ۹- سوال « آیا هستی منحصر در همین اشیای مادی است؟ » به مربوط می شود. **فلسفه اولی**
- ۱۰- برخی سوالات مهم مانند « آیا رابطه علیت بر کل هستی جاری است؟ » به مربوط می شود. **فلسفه اولی**
- ۱۱- فیلسوفان درباره مسئله های مربوط به تحقیق می کند و برای به دست آوردن قوانین حاکم بر تحقیق و تأمل می کنند. **وجود - کل هستی**
- ۱۲- در حقیقت، رابط فلسفه اولی با رشته های مختلف دانش و معرفت اند. **شاخه های فلسفه**
- ۱۳- فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث نمی کند. بلکه در هر موضوعی به مسئله های آن می پردازد و درباره آن تأمل می کند. **بنیادی ترین**
- ۱۴- هر فیلسوفی با توجه به دیدگاه خاصی که در دارد، به گونه ای خاص در مسائل بنیادی هنر، جامعه، فیزیک، روان و مانند آنها اظهار نظر می کند. « **فلسفه اولی** »
- ۱۵- افلاطون در فلسفه اولی اعتقاد دارد که علاوه بر عالم طبیعت، عالم برتری به نام عالم وجود دارد. **مثل**
- ۱۶- افلاطون معتقد است که عالم طبیعت برگرفته از « عالم مثل » است و نسبت عالم طبیعت به آن عالم مانند نسبت به است. **سایه - صاحب سایه**
- ۱۷- به عقیده افلاطون، حقیقت اصلی، ... است، نه این عالم و برترین وجود هم، ... است، نه انسان. **عالم مثل، مثال خیر**
- ۱۸- با توجه به برداشت افلاطون از جهان، دیدگاهی در انسان شناسی و فلسفه اخلاق دارد که می گوید هدف حقیقی انسان رسیدن به ... و ... است، نه ماندن در عالم طبیعت که عالم سایه هاست. **عالم مثل - خیر مطلق**
- ۱۹- با تأمل فیلسوفانه درباره اخلاق، دین، طبیعت، تاریخ، علم و تربیت، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه طبیعت، فلسفه تاریخ، فلسفه علم و فلسفه تربیت پدید می آید که به آنها فلسفه می گویند. **مضاف**

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی است. **درست**
- ۲- بخش اصلی فلسفه که به منزله ریشه و پایه فلسفه است، فلسفه علم نام دارد. **نادرست**
- ۳- هنگامی که کمیت وزنده بودن اشیا را مطالعه می کنیم، سروکار ما با یکی از علوم خواهد بود. **درست**
- ۴- اشیا با آنکه در خصوصیات گوناگون فرق دارند اما در یک چیز شریک اند و آن اصل « وجود » است. موجودات همه در « موجود بودن » مشترک اند. **درست**
- ۵- در علوم، ما با جنبه خاصی از اشیا سروکار داریم مانند بحث « کمیت » یا بحث « مقدار » در ریاضیات. **درست**
- ۶- فلسفه اولی آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق کرده و احکام و قواعدی را به دست می آورد که مربوط به یک وجود خاص است و نه خود هستی و وجود است. **نادرست**
- ۷- هرگاه خصوصیات یک وجود خاص مورد توجه ما قرار گیرد به سراغ مابعدالطبیعه می رویم. **نادرست**
- ۸- سولاتی از قبیل « آیا هستی منحصر در همین اشیا مادی است؟ »، « آیا رابطه علیت بر کل هستی جاری است؟ »، « آیا جهان به سمت تکامل است یا فروپاشی؟ » به علوم مختلف مربوط می شوند. **نادرست**
- ۹- فیلسوفان درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند و برای به دست آوردن قوانین حاکم بر کل هستی تحقیق و تأمل می کنند. **درست**
- ۱۰- فیلسوف می گوید با کمک عقل و استدلال و منطق، پاسخ درست را بیابد و عوامل اشتباه و موانع پیش رو را از سر راه تفکر بردارد و به حقیقت، آن گونه که هست برسد، نه آن گونه که دلش می خواهد. **درست**
- ۱۱- در حقیقت، شاخه های فلسفه، رابط فلسفه اولی با رشته های مختلف دانش و معرفت اند. **درست**
- ۱۲- فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث می کند. و در هر موضوعی به بنیادی ترین مسئله های آن می پردازد و درباره آن تأمل می کند. **نادرست**
- ۱۳- فلسفه با هنر، جامعه شناسی، فیزیک، روان شناسی و سایر علوم ارتباط دارد، اما هیچ یک از این دانش ها هم نیست. پس فلسفه اولی او دربردارنده پیام های خاصی برای هنر، جامعه، طبیعت، دین و مانند آنهاست. **درست**
- ۱۴- هر فیلسوفی با توجه به دیدگاه خاصی که در « فلسفه اولی » دارد، به گونه ای خاص در مسائل بنیادی هنر، جامعه، فیزیک، روان و مانند آنها اظهار نظر می کند. **درست**
- ۱۵- افلاطون در فلسفه اولی خود اعتقاد دارد که علاوه بر عالم طبیعت، عالم برتری به نام عالم « مثل » هست که عالم طبیعت برگرفته از آن است و نسبت عالم طبیعت به آن عالم مانند سایه نسبت به صاحب سایه است. **درست**
- ۱۶- به عقیده افلاطون، حقیقت اصلی، عالم مثل است، نه عالم طبیعت و برترین وجود، مثال خیر است. **درست**
- ۱۷- افلاطون با توجه به برداشت خود از جهان، دیدگاهی در انسان شناسی و فلسفه اخلاق دارد که می گوید هدف حقیقی انسان رسیدن به عالم مثال و خیر مطلق است، نه ماندن در عالم طبیعت که عالم سایه هاست. **درست**
- ۱۸- می توان برای هر رشته علمی یک فلسفه نیز طراحی کرد. **درست**
- ۱۹- اگر دانشمند علوم تربیتی نظر افلاطون در مورد مثل را بپذیرد، برنامه های تربیتی خود را متناسب با آن قرار می دهد. **درست**
- ۲۰- با تأمل فیلسوفانه درباره اخلاق، دین، طبیعت، تاریخ، علم و تربیت، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه طبیعت، فلسفه تاریخ، فلسفه علم و فلسفه تربیت پدید می آید که به آنها فلسفه مضاف می گویند. **درست**

سوالات تستی

۱- ریشه و شاخه های فلسفه به ترتیب کدامند؟

- (۱) فلسفه اولی - فلسفه علم
(۲) فلسفه علم - فلسفه هنر
(۳) فلسفه هنر - مابعدالطبیعه
(۴) فلسفه اولی - مابعدالطبیعه

گزینه ۱

۲- کدام یک از گزینه های در زمره فلسفه های مضاف به شمار نمی رود؟

- (۱) فلسفه علم (۲) فلسفه هنر (۳) فلسفه اخلاق (۴) فلسفه اولی

گزینه ۴

۳- وجه مشترک همه اشیاء و حقایق است و دانشی که احکام و قواعدی را به دست می آورد که

مربوط به خود هستی و وجود است، یک وجود خاص به ترتیب عبارتند از:

- (۱) موجودیت - ترانس فیزیک (۲) ماهیت - مابعدالطبیعه
(۳) موجودیت - مابعدالطبیعه (۴) ماهیت - ترانس فیزیک

گزینه ۳

۴- سوالات مهمی مانند « آیا هستی منحصر در همین اشیای مادی است؟ » و « آیا رابطه علیت بر کل

هستی جاری است؟ » به ترتیب مربوط به کدام گزینه از گزینه های زیر است؟

- (۱) اصل هستی - اصل وجود (۲) ویژگی های یک وجود خاص - خصوصیات یک وجود خاص
(۳) ویژگی های یک وجود خاص - اصل هستی (۴) خصوصیات یک وجود خاص - اصل وجود

گزینه ۱

۵- تفاوت علوم مختلف، در اصل به کدام مولفه باز می گردد؟

- (۱) موضوع (۲) روش (۳) مسائل (۴) مفاهیم

گزینه ۱

۶- کدام عبارت نادرست است؟

- (۱) فلسفه، درختی است با شاخه های فراوان که از ریشه خود، یعنی همان فلسفه اولی تغذیه می کنند.
(۲) فلسفه با هنر، جامعه شناسی، فیزیک، روان شناسی و سایر علوم ارتباط دارد، اما هیچ یک از این دانش ها نیست.
(۳) فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث می کند و نه درباره بنیادی ترین مسئله ها
(۴) شاخه های درخت فلسفه، رابط فلسفه اولی با رشته های مختلف دانش و معرفت اند

گزینه ۳

۶- با توجه به تمثیل غار افلاطون، نسبت عالم طبیعت به عالم مثل مانند است نسبت به و

برترین وجود همانا مثال..... است نه مثال

- (۱) سایه - صاحب سایه - انسان - خیر (۲) صاحب سایه - سایه - انسان - خیر

- (۳) صاحب سایه - سایه - خیر - انسان (۴) سایه - صاحب سایه - خیر - انسان

گزینه ۴

۷- کدامیک دیدگاه افلاطون، درباره انسان شناسی و فلسفه اخلاق را به وضوح و روشنی بیان می کند که اگر یک

دانشمند علوم تربیتی این دیدگاه را بپذیرد، برنامه های تربیتی خود را متناسب با آن قرار می دهد؟

- (۱) هدف حقیقی انسان ماندن در عالم طبیعت است و نه عالم مثال، که عالم سایه هاست.
(۲) هدف حقیقی انسان رسیدن به عالم مثال و خیر مطلق است، نه ماندن در عالم طبیعت که عالم سایه هاست.
(۳) هدف حقیقی انسان ماندن در عالم طبیعت است که عالم سایه هاست و سپس رسیدن به عالم مثال و خیر مطلق
(۴) هدف حقیقی انسان رسیدن به عالم مثال است، نه ماندن در عالم خیر مطلق که عالم حقایق است. گزینه ۲

گزینه ۲